

### درنگ



## علامه مرتضی عاملی حاصل پیوند ۳ مکتب فکری

متن زیر یادداشتی از رسول جعفریان به مناسبت درگذشت علامه سیدجعفر مرتضی عاملی است.

بدون شک سیدجعفر مرتضی، در چند دهه اخیر، در پژوهش‌های اسلامی و عمدتاً در حوزه تاریخ اسلام، در مراکز شیعی، نقش مهمی داشت و در پیشرفت علمی در این زمینه، سخت مؤثر بود. دوست دارم در این وقت که ایشان رحلت کرده‌اندگی درباره‌شان بنویسم و دینی که به خاطر سال‌ها شاگردی و بهره‌وری از محضرشان داشتم را تا حدی ادا کنم. شاید لازم باشد عرض کنم، بنده از سال ۶۱ که باایشان آشنا شدم، خیلی زود دریافتم که با یک مرد عالم، دانشمندو معلم، و یک مربی اخلاق بسیار عالی روبه‌رو هستم؛ بنابراین در تمام این سال‌ها، هیچ‌گاه، فرصت بهره‌گیری علمی از ایشان را از دست ندادم. اینجای خلاصه‌ای درباره ایشان می‌نویسم، و امیدوارم فرصتی دیگر، متنی کامل‌تر تهیه کنم. آقای سیدجعفر مرتضی، حاصل سه مکتب فکری بود: یکی مکتب لبنان که ادبیات نگارشی ایشان، و انس و الفتش با آثار آن دیار، علاوه بر تربیت در دوره کودکی، میراث آن دوره است. دیگر تفکح که چند سالی در آنجا مانده و تحصیل کرده بود، و البته جزو معدود طلبه‌هایی بود که آنجا را ترک و سال ۴۷ به قم آمد.

سوم مکتب قم که عمده تحصیل و تحقیق و تألیفات ایشان در اینجا بود و تا سال ۷۳ در آنجا بود.سیدجعفر فرد مستقلی بود، اما در کنار اینها، به نشر کارهایش می پرداخت. نخستین اثرش حیات سیاسی امام رضا(ع) به عربی در بیروت چاپ شد. شاید اندکی قبل یا بعد از آن کتاب حدیث‌الاقف را چاپ کرد که قدرت نقادی تاریخی شگرفی از خود در هر دو اثر نشان داد. مقالاتی هم می‌نوشت که اندکی بعد تحت عنوان مقالات و در اسات در چهار جلد منتشر شد. در این وقت، به تدریج، ایرانی‌ها هم روابطی داشتند که عمدتاً رافقتی بود. از جمله هم حرم آقای آینه‌وند که همدرس فرزند آقای روحانی بود، به قم می آمد، و شاید تحت تأثیر آقای مرتضی و آقای روحانی به تاریخ اسلام علاقه‌مند شد. ایشان دانشجوی ادبیات عرب بود در تاریخ.

سیدجعفر در دو اثر یاد شده یعنی حیات امام رضا و حدیث افک، نشان داد که ورودش در تاریخ متفاوت با دیگران است. هم روش دارد و هم اهل تتبع گسترده است. به هر حال، ایشان در یک فضای پر نشاط فعالیت نگارشی خود را آغاز کرد. رساله‌ای درباره مبدا تاریخ هجری نوشت که به فارسی هم در آمد. مقاله‌ای هم درباره ابودر نوشت که با عنوان ابودر مسلمان یا سوسیالیست ترجمه و منتشر شد. آن وقت‌ها، پسر آقای احمدی میاجی همین طور برادر خود سیدجعفر، یعنی آقای سیدمرتضی مرتضی هم در نشر و ترجمه برخی مقالات به فارسی به ایشان کمک می کردند.

سیدمرتضی نفاذانه کار می کرد و هرچند، خط‌کشی مذهبی در بحث‌های نقادانه خود کرد، اما کثرت تبعات، نقادانه سندی و متنی، و حدس‌های تند و تیز ایشان، راه را برای اظهارات جدید فراهم می کرد. به همین دلیل الصحیح خیلی تأثیر گذاشت و دیدگاه‌های ایشان شایع شد. در الصحیح مباحث تازه‌ای مطرح شده بود که بعدها به صورت کتاب یا کتابچه‌های مستقلی هم منتشر شد. در کنار نگارش، تدریس تاریخ اسلام هم برای تعدادی از دانشجوین تربیت مدرس آغاز شد. علاوه بر آن افرادی هم به طور خصوصی نزد ایشان رفت و آمد داشتند و استفاده می کردند. برخی از اینها از میان طلاب لبنانی و اندکی هم ایرانی بودند. همکاری‌هایی هم با سازمان امور اداری و استخدامی کشور داشت که روی بحث‌های گزینش و معیارهای دینی و شرعی آن کار می کردند. ایشان یادداشت‌های زیادی داشت که بعدها توسط یکی از طلاب لبنانی که حالا موقعیتی در آنجا دارد، در سه جلد منتشر شد. توجه به وضعیت طلاب لبنانی در ایران، یکی از کارهای اجرایی ایشان بود. منندی جبل عامل را ساخت. علاوه بر آن یک مدرسه بزرگ، و همین طور تعداد قابل توجهی خانه برای لبنانی‌ها ساخته شد که تا سال‌ها اسناد اینها به نام بنده بود و چند سال قبل، همه را به مرکزی که درست کردند، انتقال دادم. سیدجعفر، سخت علاقه‌مند به انقلاب بود، و از وقتی که بحث‌های لبنان پیش آمد، و به خصوص زمانی که مرحوم سیدمحمدحسین فضل‌الله نفوذ داشت و دولت بود، به هم می‌آمد، دایم در منزل ایشان وارد می شد. البته و مستقیم خودش درگیر مسائل لبنان نبود. بعدها که مسائلی در اطراف اظهارات آقای فضل‌الله پیش آمد، تا مدت‌ها تلاش کرد تا این مسائل را حل کند. اما وقتی به جایی نرسیده، از ایشان فاصله گرفت و آثار هم که بعدها در لبنان توسط خودش یا برخی از بستگانش نوشته شده، (مهم‌ترینش مأساة الزهراء) در نقد آقای فضل‌الله منتشر شد. همین منازعه به نوعی باعث شد تا ایشان حوالی سال‌های ۷۲ تا ۷۳ ایران را ترک کند و به لبنان بیاید. در آنجا یک مرکز اسلامی و یکی مدرسه درست کرد.

ایشان برای چند سالی بسیار کم به ایران اما به تدریج، شاید اوایل دهه ۸۰، این رفت و آمد منظم‌تر و بیشتر شد. فرزندانش در ایران بودند، و کار نشر ایشان و نیز ترجمه آنها تلاش می‌کردند که تاکنون ادامه دارد. در لبنان، علاوه بر تکمیل کتاب سیره نبوی در بحبوحه جنگ میان لبنان و اسرائیل طی ۳۵ جلد، کتابچه‌های فراوانی به خصوص در تفسیر هم منتشر شدند. یادداشت‌ها کنم که طی دهه ۶۰ و اوایل ۷۰، آثار متعددی در ایران منتشر کردند که حیات سیاسی امام حسن، زندگانی سلمان فارسی و آثار دیگر بود. کار مهم دیگر در لبنان، تألیف زندگینامه امام علی (ع) در ۵۳ جلد و همین طور نگارش زندگی امام حسین (ع) در ۲۴ جلد، در دوران بیماری سخت خود بود که به همان سبک و سباق انتشار یافت.

آقای سیدجعفر به ایران عشق می‌ورزید و دوستان ایرانی بسیار خوبی داشت که با ایشان مراده روزی بیشتر شد. فرزندانش در ایران بودند، و همه فرزندانشی کارهای ایران را انجام می دادند، اما پیش از آن آقای سیدابوالحسن نواب، از کسانی بود که روابط بسیار نزدیکی با آقای مرتضی داشت و همیشه در کارهای جاری به ایشان کمک می کرد. طبعاً از زمانی که از ایران رفتند، تأثیرشان در ایران، بیشتر از طریق کتاب‌ها بود، اما پیش از آن در برخی از همایش‌ها و نشست‌ها حضور داشتند. بنده هم از سال ۶۱ که خدمتشان بودم، تا وقتی که در ایران بودند، به طور مرتب محضرشان را در کم می کردم و در کارهای تاریخ اسلامی خودم، تحت تأثیر روش‌های ایشان بودم. بعد از آن، بارها در لبنان، خدمتشان رسیدم. از وقتی هم که به ایران می‌آمدم، این ارادت و حضور همیشه استمرار داشت و یک بار هم همایشی برای ایشان و کتابشان الصحیح برگزار کردم که مقالات ضمن کتابی منتشر شد. رحمت و غفران الهی بر او باد.

منبع: خبرگزاری مهر

# نهضت ترجمه فرصت طلایی مسلمانان برای تمدن‌سازی



■ **محمد خدابریست**
یکی از دوره‌های مغفول و البته بسیار مهم صدر اسلام که کمتر در خصوص آن سخن رفته است، عصری است مشهور به دوره نهضت ترجمه که اولین مدخل آثار تمدن‌های دیگر به زبان عربی و استفاده مسلمین از آنها بوده است. از آن جا که این دوره تأثیرگذاری بسیار زیادی بر شکل‌گیری مغزافزار تمدن اسلامی داشته و فضای علم آموزی و تعلیم دانشمندان اسلامی از آن تأثیر پذیرفته است، بررسی اجمالی این دوره می تواند در شناخت میدادی تشکیل تمدن اسلامی و بهره‌گیری از این تجربه تاریخی در راستای نیل به تمدن نوین اسلامی مفید باشد.

■ ■ ■

■ **خاستگاه نهضت ترجمه**

بی‌شک بسیاری از علوم شکل یافته در میان مسلمانان از جمله برخی علوم تجربی یا علمی چون فلسفه رایج بین مسلمین، برخلاف برخی دیگر از علوم از جمله تفسیر، فقه، کلام و عرفان اسلامی که بالذات از درون محتوای اسلامی جوشیده، مآخذی غیربومی داشته‌اند اغلب این علوم طی پرسوه‌ای که مشهور به نهضت ترجمه اسلامی است بین مسلمانان نفوذ و رسوخ کرده‌اند. مدارس و مراکزی چون اسکندریه، انطاکیه، الرها، نصیبین، حران و جندی شاپور سهم

حساب خود را در این انتقال نشان داده‌اند. حسب شواهد تاریخی، نخستین ترجمه عهداموی به خالد بن بزید بن معاویه اختصاص دارد. خالد به دلیل علاقه بسیار به علم و دانش به فراگرفتن علم کیمیا (شیمی) پرداخت و به ترجمه متون علمی از زبان یونانی و قبطی به عربی توجهی ویژه مبذول داشت.

اما جریان رسمی نهضت ترجمه را از زمان منصور دوانیقی خلیفه عباسی در سال ۱۴۸ قمری می دانند که مدرسه‌ای برای طبابت در بغداد به پا کرد و نویسنده‌گان را به ترجمه آثار علمی به عربی مأمور ساخت. علاقه و اشتیاق فراوان منصور به کسب معارف جدید، او را متوجه مرزهای خارجی خلافت کرد. از این رو، با اعزام هیئت‌هایی بلندپایه به دربار قیصر روم، از او خواست روایان و متون قدیمی یونانی را برای وی بفرستد. رومیان هم کتاب اقلیدسی و برخی آثار علوم طبیعی و کتاب مجسطی بطلمیوس را به دربار خلافت اسلامی جهت برگردان به عربی ارسال کردند. از نخستین آثار که از زبان پهلوی به عربی ترجمه شد، می توان از کتاب «کلیله و دمنه» نام برد. این کتاب از روشندان مشهورترین آثار ادبی هندی است که این مقصد در این دوره آن را از پهلوی به عربی ترجمه کرد. علاوه بر آن، کتاب هند هم توسط مترجمان عالی رتبه هندی به عربی ترجمه شد. در کنار ترجمه برخی آثار یونانی چون مجسطی بطلمیوس و کتاب اقلیدس، تعدادی از کتاب‌های ارسطو و همچنین کتاب ارثماطیقی (کتاب حساب) و دیگر آثار کهن یونانی نیز به عربی ترجمه گردید.

اوج گرفتن این نهضت به دوران هارون الرشید و مأمون بایمی گرد که مرکزی بر نام «بیت الحکمه» برای این کار شکل گرفت. مترجمان این دوره (از نیمه قرن دوم تا اواخر قرن چهارم) کتاب‌های بسیار زیادی در علوم مختلف اعم از طب، نجوم، ریاضیات، طبیعیات، فلسفه و منطق از زبان‌های یونانی، سریانی، سانسکریت و پهلوی به عربی ترجمه کرده‌اند. به این ترتیب می‌توان نهضت ترجمه را اجرایی دانست که برخی شروع آن را از زمان خلفای بنی‌امیه و برخی دیگر از زمان منصور دوانیقی می‌دانند که فعال‌ترین بازه زمانی در این جریان حدود ۱۵ سال تا زمان مرگ مأمون بود.

■ **علل رویکرد مسلمانان به نهضت ترجمه**
طبیعتاً دلایل زیادی برای اقبال مسلمانان به ترجمه

می‌توان ذکر کرد؛ برخی از این دلایل به رویکردهای دینی و آموزه‌های اسلامی بازمی‌گردد و برخی دیگر ریشه در سیاست خلفا دارد. مهم‌ترین دلیل از این میان را می‌توان به توصیه‌های مکرر قرآن و پیامبر اسلام(ص) مبنی بر ضرورت علم‌آموزی مربوط دانست. قرآن کریم خردورزی را بارها مورد توصیه قرار داده و حتی در مسیر کسب علم و عبرت، سفر، به اقصی نقاط جهان را توصیه کرده‌است.

همچنین تأکیدات پیامبر(ص) برای علم‌اندوزی حتی از کفار یا از دورترین اماکن جهان (ولو در چین) تشویقی برای مسلمانان برای شکل دهی به یک حرکت علمی بر مبنای دانش‌های آن روزگار جهان بود. بعضی از روایات علم را به عنوان گمشده مؤمن توصیف می‌کند که در مسیر آن حتی ارزش دارد مشقت‌های زیادی تحمل شود. این قسم توصیه‌ها مسلمانان را به انجام سفرهای طولانی و مضاربه‌های آرای علمی با تفکرات مختلف ترغیب می‌کرد.

از جمله دیگر موضوعاتی که ایجاد ترغیب به شکل‌گیری نهضت ترجمه کرد، خروج اعراب مسلمان از روحیه بیابان گردی و زندگی بدوی به حیات مدنی و ساختارهای جدیدتر بود. در جریان رفت و آمد مسلمانان به نواحی دور دست مانند مصر، یمن، ایران روم و… که سوابق بلندی در حوزه علوم و معارف مختلف داشتند، مسلمانان به ضعف‌ها و نیازهای علمی خود پی بردند. گسترش سرزمین‌های اسلامی و برخورد مسلمانان با زبان‌های گوناگون و احساس نیاز جدی به هماهنگ‌سازی زبانی، بسترهای لازم را برای ترجمه فراهم ساخت، به گونه‌ای که تعاملات گوناگون سرداران عرب با مردم این سرزمین‌ها، ضرورت این هماهنگ‌سازی را آشکار کرد.

از سوی دیگر فتوحات فراوان اسلامی که زمینه‌ساز تبدیل اسلام دست‌کم به حکومت مقتدر منطقه غرب آسیا شده بود، حاصلش رسمیت یافتن زبان عربی و غنی‌تر نشدن این تمدن کمک کرد.

دکتر رضا دوری، تأثیر تعامل با دیگر اقوام و زبان‌ها را این‌گونه بیان می‌کند: «اسلام چون در قلمروهای وسیع و در میان اقوام مختلف، رواج یافت حوزه‌های بحث و نظر را تعطیل نکرد، بلکه به عنوان تفکر تازه، اجزای علوم و معارف اقوام دیگر را در طی بسط خود به خدمت گرفت و به این ترتیب فرهنگ و تمدن و علوم اسلامی، به وجود آمد».

در نتیجه این تعاملات در همان قرن و قرون بعدی،

بستر برای بروز استعدادهای نخبگان علمی مسلمان این موضوع خود به خود دانشمندان ملل گوناگون را مجاب می‌ساخت که داشته‌های علمی خود را که افتخاراتی برای خودشان و نیز ملل خود می‌دانستند، به زبان رسمی حکومت وقت ترجمه کنند. دلیل مهم دیگری که سبب شکل‌گیری ساختارهایی رسمی و علمی برای ترجمه آثار غیراسلامی و ورود آنها به علوم اسلامی شد، ترویج این روش توسط خلفا برای نیل به اهداف حکومتی خود بود. از جمله علاقه‌مندی خلفایه علمی مانند پزشکی برای رهایی از بیماری‌ها و امراض خود و اطرافیان، اعتقاد برخی از آنان به علوم غریبه همچون طالع‌بینی، حالات کواکب و آثار آنها بر آینده، رفع امور اداری و مالی سیستم حکومتی گسترده اسلامی که نیاز عمومی به علوموی چون ریاضی و حساب را افزایش می‌داد و نیز علاقه‌مندی برخی خلفا به گرایش‌های معتزلی و نشان دادن میل به مباحثات کلامی با صاحبان عقاید غیراسلامی یا حتی کافران و مشرکان باعث شد مطالعه آثار غیراسلامی یکی از دستوره‌های کار سیستم خلافت در برخی ادوار زمانی قرار گیرد.

تسامح و تساهل فرهنگی مذهبی برخی خلفا و وزیرای آنها سبب حضور فعال علم ایرانی به‌ویژه دانشمندان اهل مرو در دربار خلفای عباسی بود. مهاجرت اهل نمه به بغداد (پایتخت خلافت اسلامی) در عصر عباسی و انتقال علوم و معارف سرزمین‌های خود به آنجا از جمله دیگر عوامل رونق تبادل‌ات فکری بین تمدنی و به تبع آن پیشرفت نهضت ترجمه‌است. به عنوان نمونه مشهور است کسانی که علوم عقلی و نقلی را وارد اسلام کردند بیشتر عجم بودند.

■ **تبعات نهضت ترجمه اسلامی**

جریان نهضت ترجمه میان مسلمانان با وجود این که بنچرخه‌ای کوتاه‌مدت برای بهره‌مندی مسلمانان از علوم و آموخته‌های سایر زبان‌ها و زبان‌ها گشود اما نتایج و تبعات بلندمدتی را به همراه داشت. از مهم‌ترین نتایج آن توسعه ترافزاری تمدن اسلامی و انتقال آموخته‌های دیگر تمدن‌ها از جمله سریانی، یونانی، ایرانی و هندی به تمدن اسلامی بود که به هر نحی غنی‌تر شدن این تمدن کمک کرد.

دکتر رضا دوری، تأثیر تعامل با دیگر اقوام و زبان‌ها را این‌گونه بیان می‌کند: «اسلام چون در قلمروهای وسیع و در میان اقوام مختلف، رواج یافت حوزه‌های بحث و نظر را تعطیل نکرد، بلکه به عنوان تفکر تازه، اجزای علوم و معارف اقوام دیگر را در طی بسط خود به خدمت گرفت و به این ترتیب فرهنگ و تمدن و علوم اسلامی، به وجود آمد».

در نتیجه این تعاملات در همان قرن و قرون بعدی،

بستر برای بروز استعدادهای نخبگان علمی مسلمان این موضوع خود به خود دانشمندان ملل گوناگون را مجاب می‌ساخت که داشته‌های علمی خود را به زبان رسمی حکومت وقت ترجمه کنند

گسترش این علوم همچنین سبب شد رویکرد معتزله داشت، جای خود را میان مسلمانان باز کند و ایمان و تقلیدی صرف، جای خود را به تفکر و پژوهش در پذیرش آرا داد تا نظریات مختلف را با سنگ محک قرآن نیز نگرش تفسیری که تا پیش از آن صرفاً رویکردی اخباری و مبتنی بر احادیث برای شرح آیات بود، با دلایل عقلی و تفسیر بر مبنای فهم معنا و محتوای آیات مزوج شد و به تعبیری باعث شد در علوم اسلامی نیز تحولاتی در راستای تکیه بر عقل و منطق شکل گیرد.

گسترش زبان عربی به عنوان یکی از منابع علمی جهان آن روزگار، از دیگر ثمرات مهم این نهضت علمی است. از آن جا که بسیاری از کتب مهم علمی خدا خواهد» ابر این نهضت نامید چرا که نتایج مثبت آن غیر قابل انکار است.

گرچه حسب شواهد تاریخی، اصل این بدبینی نیز محل تردید است چرا که به نظر می‌رسد انتقال علوم زمان (علوم‌الاولیاء) به تمدن اسلامی، انتچان رنگ سیاسی نداشته و احیاناً دانشمندان شیعی، خود نیز از مترجمان و ناقلان فرهنگ ملل مجساور بوده و به نوعی سبھی وافر در این نهضت ترجمه، ایفا کرده‌اند. ضمن این که البته(ع) که از جمله رسالت‌شان مبارزه با انحراف فکری عصر خویش بود در رد این نهضت و رسواسازی آن گامی بر نداشتند. اگر چنانچه برخی جریان‌های افراطی (در میان شیعیان) می‌گویند که این نهضت ترجمه و رسوخ علوم غیراسلامی به جهان اسلام، خنجرش برای اسلام فکری از سیقیفه نیز بیشتر از سوسی ائمه اطهار در مقابل آن صورت می‌گرفت، چنانچه موضع‌گیری‌های تند و آشکار ایشان در قبال انحراف در امامت، خلافت، فقه، کلام و بالاخره عقلیون و معتقدان به مسروادات بین‌المللی علمی حاصل کنند.

■ **رویکرد ائمه(ع) به نهضت ترجمه**
برخی معتقدند از آنجا که احتمالاً یکی از انگیزه‌های خلفای عباسی برای تشویق و بسترسازی نهضت ترجمه، تحت‌الشعاع دادن قدرت علمی ائمه بوده است، پس در واقع این نهضت در مقابله با معصومین و انحراف در اسلام بوده است. این ادعا با وجود اینکه سندیات تاریخی ندارد اما تحلیل وضعیت سیاسی بنی عباس ما را مجاب می‌کند که این احتمال را نادیده نگیریم چرا که هراس از مرجعیت ائمه(ع) وجه مشترک بنی عباس بوده است.

گرچه طبیعی است خلفای عباسی از چنین نهضتی در جهت منافع حکومتی خود استفاده کنند اما این که نیت احتمالی خلفا را سبب فاسد بودن نهضت ترجمه و تبعات نامطلوب بدانیم نیز صحیح نیست چرا که در فوق اشاره شد، این نهضت با هر نیتی که شکل گرفت و توسط خلفای عباسی در برهه‌ای حمایت شد، باعث ثمرات زیادی در جهان اسلام از حیث مرجعیت و گسترش نفوذ تمدنی آن شد.

لذا نمی‌توان نتیجه این نهضت را با نیت اعلان آن هم کالسه کرد. به عنوان نمونه علامه طباطبایی در خصوص نقش نهضت ترجمه در رشد فلسفه در دنیای اسلام به این نقد از برخی نگرش‌ها اشاره و چنین پاسخ می‌دهد: «کسی که به چنین ادعایی، بر نفی فلسفه و منطق استدلال کرده، در نیافتن است

